

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه الودیعة والعارية
از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی



مؤلف: مُحَقِّقُ الْحِلِّي (أبو القاسم نجم الدين جعفر بن حسن رحمته الله)

مترجم: مهدي رحيمي

انتشارات چتر دانش

سرشناسه :	رحیمی، مهدی، ۱۳۶۴ -
عنوان قراردادی :	شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام . فارسی - عربی . برگزیده . شرح
عنوان و نام پدیدآور :	فقه الودیعہ والعاریہ از شرایع الاسلام با ترجمہ فارسی / مؤلف محقق الحلی (ابوالقاسم نجم الدین جعفرین حسن رحمہ اللہ)؛ مترجم [و شارح] مهدی رحیمی.
مشخصات نشر :	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاہری :	۳۰ ص.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۸۵-۱
وضعیت فهرست نویسی :	فیبیا
یادداشت :	کتاب حاضر شرح بخشی از کتاب «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام» تألیف محقق حلّی است.
موضوع :	محقق حلّی، جعفرین حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام -- نقد و تفسیر
موضوع :	فقه جعفری -- قرن ۷ق.
موضوع :	Islamic law, Ja'fari -- 13th century*
موضوع :	عاریہ (فقه)
موضوع :	Loans for use (Islamic law)
موضوع :	ودیعہ (فقه)
موضوع :	Deposits (Islamic law)
شناسه افزوده :	محقق حلّی، جعفرین حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام . برگزیده . شرح
رده بندی کنگره :	۱۳۹۶ ۴۰۴۲۳۴۵۶ ش ۳/م ۱۸۲/ب P
رده بندی دیوبی :	۲۹۷/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی :	۴۹۱۸۱۰۴

نام کتاب :	فقه الودیعہ والعاریہ از شرایع الاسلام با ترجمہ فارسی
ناشر :	چتر دانش
مترجم :	مهدی رحیمی
نوبت و سال چاپ :	دوم - ۱۳۹۸
شمارگان :	۱۰۰۰
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۸۵-۱
قیمت :	۳۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرترفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

۵.....	مقدمه
۶.....	کتاب ودیعه
۶.....	عقد ودیعه
۱۲.....	موجبات ضمانت
۱۵.....	لواحق باب
۲۰.....	کتاب عاریه
۲۰.....	عاریه دهنده
۲۱.....	عاریه گیرنده
۲۳.....	عاریه داده شده
۲۶.....	احکام متعلق به عاریه

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خير خلقه و أشرف بريته محمد المصطفى و آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين

این کتاب ترجمه و شرحی در تبیین کتاب شرائع الاسلام تألیف جعفر بن حسن محقق حلی است. مرحوم محقق حلی از مشهورترین فقهای عصر خویش است و دارای عظمت و اعتبار خاص در میان مجتهدان می‌باشد، به حدی که وقتی کلمه «محقق» را بدون قرینه و نشانه‌ای در میان فقها ذکر کنند، شخصیت تحقیقی و علمی ایشان مورد نظر است.

محقق حلی فقه و اصول را در نزد پدرش حسن بن یحیی آموخت و از محضر فقهای مشهور حله، مانند ابن نما و سید فخر موسوی - شاگرد ابن ادریس حلی - بهره برد. محقق با یک واسطه شاگرد ابن زهره و ابن ادریس حلی است و استاد علامه حلی بوده است.

مرحوم محقق در زمینه‌های منطق، کلام و ریاضیات و هیئت تبحر داشته است و خواجه نصیرالدین طوسی متکلم و ریاضی‌دان مشهور، با او در حله ملاقات کرده است و در جلسه درسش حضور یافته است. کتابهای محقق همچون معارج الاصول، تلخیص الفهرست، شرح نکت النهایه و معارج الاحکام و... مخصوصاً کتاب شرایع الاسلام همیشه مورد توجه طلاب است چرا که این کتاب مشتمل بر فتوای مشهور فقهای قدیم می‌باشد. و فقهای بسیاری این کتاب را شرح کرده و یا حاشیه بر آن نوشته‌اند.

محقق حلی در سال ۶۷۶ ه.ق در سن ۷۴ سالگی بدرود حیات گفت و بدن مطهر ایشان را در جوار بارگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپردند. (و بنا به نقل علامه سید حسن صدر صاحب کتاب تأسیس الشیعه در حله به خاک سپردند).

کتاب حاضر متن و ترجمه بخش‌های ودیعه و عاریه از کتاب شرایع الاسلام است که به صورت مستقل از دیگر بخش‌های این کتاب منتشر می‌گردد.

ما در این کتاب سعی کرده‌ایم که با شرح و آوردن مثالهای آسان، کلمات آن بزرگوار را تبیین نماییم تا موجب تسهیل طلاب و دانشجویان که قصد خواندن این کتاب ارزشمند را دارند، شود و خداوند را شاکرم که توفیق این امر را برای حقیر فراهم نمود.

در پایان از همه کسانی که بنده را در چاپ و نشر این مجموعه یاری رساندند کمال تشکر را دارم.

مهدي رحيمي

اردیبهشت ۱۳۹۶

کتاب الودیعه

وَ النَّظْرُ فِي أُمُورٍ ثَلَاثَةٍ:

الأول: العقد

- ۱ وَ هُوَ اسْتِنَابَةٌ فِي الْحِفْظِ. وَ يَفْتَقِرُ إِلَى إِجَابٍ وَ قَبُولٍ. وَ يَمَعُ بِكُلِّ عِبَارَةٍ دَلَّتْ عَلَيَّ مَعْنَاهُ. وَ يَكْفِي الْفِعْلُ الدَّالُّ عَلَيَّ الْقَبُولِ.
- ۲ وَ لَوْ طَرَحَ الْوَدِيعَةَ عِنْدَهُ، لَمْ يَلْزَمَهُ حِفْظُهَا إِذَا لَمْ يَقْبَلْهَا. وَ كَذَا لَوْ أَكْرَهَ عَلَيَّ قَبْضَهَا، لَمْ تَصِرْ وَدِيعَةً، وَ لَا يَضْمَنُهَا لَوْ أَهْمَل.

کتاب ودیعه

بحث در این باب درباره‌ی سه امر است:

اول: عقد و قرارداد ودیعه

- ۱ ودیعه، نایب‌گرفتن کسی در حفظ (چیزی از تلف و ضرر) است. و نیاز به ایجاب و قبول دارد. و با هر عبارتی که دلالت بر معنای آن بکند واقع می‌شود. و هر کاری که دلالت بر قبول بکند در قبول آن کافی است. (مثلاً اگر کتابی را در نزد فردی گذاشت و او آن را گرفت قبول کرده است.)
- ۲ و اگر مال ودعی را در نزد شخصی (مستودع) گذاشت، تا وقتی که مستودع آن را قبول نکرده است حفظ آن مال ودعی بر او واجب نیست. همچنین اگر مستودع را مجبور به دریافت مال ودعی بکند آن مال، مال ودعی (امانت) نمی‌شود، و اگر مستودع (در حفظ آن) کوتاهی کرد (و مال از بین رفت) ضامن نیست.

۳ وَ إِذَا اسْتَوْدَعَ، وَجَبَ عَلَيْهِ الْحِفْظُ. وَ لَا يَلْزَمُهُ دَرُكُهَا لَوْ تَلَفَتْ مِنْ غَيْرِ تَفْرِيطٍ، أَوْ أَخَذَتْ مِنْهُ قَهْرًا.

۴ نَعَمْ، لَوْ تَمَكَّنَ مِنَ الدَّفْعِ، وَجَبَ. وَ لَوْ لَمْ يَفْعَلْ، ضَمِنَ. وَ لَا يَجِبُ تَحْمُلُ الضَّرَرِ الْكَثِيرِ بِالْدَّفْعِ، كَالْجَرْحِ وَ أَخْذِ الْمَالِ.

۵ وَ لَوْ أَنْكَرَهَا، فَطُولِبَ بِالْيَمِينِ ظُلْمًا، جَازَ الْخَلْفُ مُورِّثًا، بِمَا يَخْرُجُ بِهِ عَنِ الْكِذْبِ.



۳ و اگر آن را پذیرفت، حفظ آن بر او واجب است. و اگر مال ودعی بدون تفریط و إهمال تلف شد، و یا به زور و غلبه از او گرفته شد او مجبور به جبران آن (با پرداخت مثل و یا قیمت آن) نیست.

۴ بله، اگر بتواند (دشمن) را دفع کند واجب است (از مال ودعی) دفاع کند. و اگر چنین دفاعی (که منجر به درگیری و تحمل ضرر نمی‌شود) نکرد، ضامن آن است. و تحمل ضرر زیاد برای دفاع از آن، مثل مجروح شدن و یا گرفته شدن مالش، بر او واجب نیست.

۵ و اگر آن ودیعه را انکار کند (تا ظالم آن را از او نگیرد) و ظالم به صورت ظالمانه از او بخواهد که قسم بخورد (که مال در دستش نیست) جایز است که قسم بخورد در حالی که توریه می‌کند، (یعنی چیزی بگوید که ظاهرش کذب است)، ولی چیزی را قصد کند که او را از دروغ گفتن خارج می‌سازد، (مثلاً بگوید مال در دست من نبوده و قصد کند که پنج سال پیش در دست او نبوده).

- ۶ وَ هِيَ عَقْدٌ جَائِزٌ مِنْ طَرَفَيْهِ، يَبْطُلُ بِمَوْتِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا وَ بِجُنُونِهِ، وَ تَكُونُ أَمَانَةً.
- ۷ وَ تُحْفَظُ الْوَدِيعَةُ، بِمَا جَرَتْ الْعَادَةُ بِحِفْظِهَا، كَالثَّوْبِ وَ الْكُتُبِ فِي الصُّنْدُوقِ، وَ الدَّابَّةِ فِي الإِصْطَبَلِ، وَ الشَّاةِ فِي المُرَاحِ، أَوْ مَا يَجْرِي مَجْرِي ذَلِكَ.
- ۸ وَ يَلْزَمُهُ سَقْيُ الدَّابَّةِ وَ عَلْفُهَا، أَمْرَهُ بِذَلِكَ أَوْ لَمْ يَأْمُرْهُ، وَ يَجُوزُ أَنْ يَسْقِيَهَا بِنَفْسِهِ وَ بِغَلَامِهِ، اتِّبَاعًا لِلْعَادَةِ.
- ۹ وَ لَا يَجُوزُ إِخْرَاجُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ لِذَلِكَ، إِلَّا مَعَ الضَّرُورَةِ كَعَدَمِ التَّمَكُّنِ مِنْ سَقْيِهَا أَوْ عَلْفِهَا فِي مَنْزِلِهِ، أَوْ شَبَّهَ ذَلِكَ مِنَ الأَعْدَارِ.



- ۶ ودیعه از جانب هر دو طرف (مودع [امانت‌گذار] و مستودع [امانت‌دار]) عقدی جایز است، و با مرگ هر یک از آنها یا با جنون هریک، باطل می‌شود، در این صورت (آن عین در نزد آنها) به عنوان امانت باقی خواهد ماند؛ (تا وارث و یا صاحبش آن را بگیرد).
- ۷ نگهداری مال ودعی باید طبق عرف و عادتی که در حفظ آن مال است انجام گیرد، مثلاً لباس و کتاب را در جعبه‌ی امانات، و حیوان چارپا را در اسطبل، و گوسفند را در آغل، و یا هر جایی که مانند آن باشد (مثلاً در خانه‌اش) نگهداری کند.
- ۸ و باید آب و علف حیوان (چارپا) را بدهد و فرقی نمی‌کند به این کار امر شده باشد و یا نشده باشد، و جایز است که هم خودش آن را آب بدهد و هم به غلامش (امر کند) که او را آب دهد، هر طوری که عرف و عادت اقتضا می‌کند (رفتار کند).
- ۹ و جایز نیست برای این کار (آب خوردن و علف خوردن) او را از منزلش خارج کند، مگر آنکه ضرورت اقتضا کند مثلاً توانایی آب دادن و علف خوراندن آن را در منزلش ندارد و یا مشکلات دیگری مانند آن دارد. (مثلاً آب در منزل ندارد).

۱۰ وَ لَوْ قَالَ الْمَالِكُ لَا تَعْلِفُهَا أَوْ لَا تَسْقِيهَا، لَمْ يَجْزِ الْقَبُولُ، بَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ سَقِيهَا وَ عْلِفُهَا.
 ۱۱ نَعَمْ لَوْ أَحَلَّ بِذَلِكَ، وَ الْحَالُ هَذِهِ، أَثِمَّ وَ لَمْ يَضْمَنْ، لِأَنَّ الْمَالِكَ أَشْفَقَ الضَّمَانَ بِنَهْيِهِ،
 كَمَا لَوْ أَمَرَهُ بِالْقَاءِ مَالِهِ فِي الْبُحْرِ.

۱۲ وَ لَوْ عَيَّنَ لَهُ مَوْضِعَ الْإِحْتِفَاطِ افْتَضَرَ عَلَيْهِ، وَ لَوْ نَقَلَهَا، ضَمِنَ إِلَّا إِلَيَّ الْأَخْرَجِ، أَوْ
 مِثْلِهِ عَلَيَّ قَوْلٍ. وَ لَا يَجُوزُ نَقْلُهَا إِلَيَّ مَا دُونَهُ، وَ لَوْ كَانَ حِرْزًا إِلَّا مَعَ الْخَوْفِ مِنْ إِبْقَائِهَا فِيهِ.



۱۰ و اگر مالک به او بگوید: به او آب و علف نده، جایز نیست که آن را قبول کند، (چرا که آن حیوان، نفس محترم و واجب النفقه است.) بلکه بر او واجب است که به حیوان آب و علف بدهد.

۱۱ بله، اگر در این کار اخلاص و ورزید، و انجام نداد، در حالی که وضعیت این گونه بود (که امر شده بود که به او آب و علف ندهد)، گناه کرده است (چون این کار اسراف و ایذاء حرام است) اما ضامن نیست، چرا که مالک با نپوشیدنش (از آب و علف دادن) ضمانت را از او (مستودع) إسقاط کرده است؛ مثل موردی که مالک به کسی بگوید که مالش را در دریا بیندازد (که به خاطر اسراف حرام است اما ضامن نیست).

۱۲ و اگر مالک مکان خاصی را برای نگهداری آن حیوان برای مستودع معین کرد، باید به همان جا اکتفا کند، و اگر او را (به جای دیگری) انتقال داد، ضامن است مگر اینکه آنجا (از آن مکانی که مالک مشخص کرده) محفوظتر باشد، و یا طبق نظر دیگری همانند همان مکان (مشخص شده توسط مالک) باشد، و جایز نیست آن را به مکانی که کمتر محفوظ است ببرد، اگرچه آنجا هم حرز (و مکان محفوظی) باشد؛ مگر آنکه از باقی ماندن آن (مال یا حیوان) در آن مکانی (که مالک مشخص کرده) ترس داشته باشد.

۱۳ وَ لَوْ قَالَ لَا تَنْقُلْهَا مِنْ هَذَا الْحِرْزِ، ضَمِنَ بِالنَّقْلِ كَيْفَ كَانَ إِلَّا أَنْ يَخَافَ تَلْفَهَا فِيهِ، وَ لَوْ قَالَ: وَإِنْ تَلَفْتُ.

۱۴ وَ لَا تَصِحُّ وَدِيعَةُ الظُّفْلِ وَ لَا الْمَجْنُونِ، وَ يَضْمَنُ الْقَابِضُ، وَ لَا يَبْرَأُ بِرَدِّهَا إِلَيْهِمَا. وَ كَذَا لَا يَصِحُّ أَنْ يُسْتَوْدَعَ. وَ لَوْ أَوْدَعَا لَمْ يَضْمَنَا بِالْإِهْمَالِ، لِأَنَّ الْمُوَدَّعَ لُهُمَا مُتْلَفٌ مَالِهِ.

۱۵ وَ إِذَا ظَهَرَ لِلْمُوَدَّعِ أَمَارَةُ الْمَوْتِ وَجَبَ الْإِشْهَادُ بِهَا. وَ لَوْ لَمْ يُشْهَدْ، وَ أَنْكَرَ الْوَرِثَةَ كَانَ الْقَوْلُ قَوْلَهُمْ وَ لَا يَمِينٌ عَلَيْهِمْ إِلَّا أَنْ يَدَّعِيَ عَلَيْهِمُ الْعِلْمَ



۱۳ و اگر مالک بگوید: آن را از این حرز (مکان معین برای نگهداری) منتقل نکن، اگر مستودع آن را انتقال دهد در هر صورت ضامن است، مگر آنکه بترسد در آن مکان، مال ودعی تلف شود، حتی اگر مالک بگوید: حتی اگر مال تلف شد (آن را جا به جا نکن). چرا که این گفتار (در صورتی که ترس از تلف شدن باشد) معتبر نیست. (چون تلف کردن آن، بدون دلیل حرام است).

۱۴ (گرفتن) ودیعه از طفل (کودک) و دیوانه صحیح نیست، و گیرنده ضامن است، و با بازگرداندن مال ودعی به (صغیر و مجنون) بری الذمه نمی‌شود. (بلکه باید آن مال را به ولی آنها تحویل دهد) همچنین صحیح نیست که آن دو را مستودع (امانتدار) کند. و اگر آن دو، مالی را به ودیعه گرفتند با کوتاهی کردن (در حفظ آن مال) ضامن نیستند، زیرا کسی که مالش را در نزد آن دو به امانت گذاشته خودش تلف کننده‌ی مالش است.

۱۵ و اگر نشانه‌های مرگ در امانت‌دار ظاهر شد، باید (به دو نفر) شاهد (عادل) اطلاع دهد که در نزد او امانتی است. و اگر شاهد نگیرد، و ورثه او منکر شوند، (که در نزد او ودیعه‌ای بوده است) گفته‌ی آنها قبول می‌شود و نیازی هم نیست که قسم بخورند، مگر آنکه مؤدع (امانت‌گذار) ادعا کند که ورثه از آن امانت اطلاع داشتند.